

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ سپتمبر ۲۰۲۳

## ادعای مسخره عدم دخالت با تقویت حاکمیت؟؟!

پنجشنبه- ۲۳ سنبله ۱۴۰۲ - کابل: روز گذشته بعد از روی کار آوردن نظام ملاسالار به وسیله امپریالیسم امریکا و شرکاء، برای نخستین بار "جاوشینگ" به مثابه سفیر جمهوری خلق چین اعتماد نامه اش را به "ملا حسن آخند" به اصطلاح "رئیس الوزرای" حاکمیت ملاسالار تقدیم نمود. در این ضمن "جاوشینگ" از جانب کشورش متعهد شد که کشور چین «در عرصه اقتصاد و مسایل مسالمت آمیز نقش اساسی را ایفا خواهد کرد و پالیسی دخالت در مسایل داخلی افغانستان را ندارد.» در یادداشت امروز مکث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- از آن جایی که چین از مدتها بدین سو نه تنها در مورد افغانستان بلکه در عرصه جهانی با همین ادعا روابطش را با سایر کشور ها برقرار ساخته و به همین وسیله رقابتش را با نیروهای رقیب یعنی امپریالیسم غرب پیش می برد، لازم دانستم تا ضمن مکث کوتاهی نشان دهم که جمهوری خلق چین در ادعایش صادق نیست. این کشور هم در امور داخلی سایر کشور ها بشدت دخالت می ورزد منتها این دخالت ظاهراً از انظار مخفی می ماند.

۲- چون در چین هنوز هم گویا حزب کمونیستی وجود دارد که ادعای پیروی از "مارکسیزم-لنینیسم- اندیشه مائو تسه دون" را دارد جهت اثبات دروغ کشور چین، بحث ما را از ایده "لنین" در مورد دولت آغاز می نمایم.

فکر می کنم نه تنها در بین احکام و نتایجی که "لنین" استخراج نموده بلکه در بین تمامی احکام و نتایج استخراج شده در تمام تمدن های بشری به مانند این حکم "لنین" که "دولت ابزار و وسیله ایست در دست طبقه حاکم جهت اعمال قدرت و حاکمیت علیه سایر طبقات در یک جامعه" روشنی و صراحت داشته باشد.

در اینجا مسأله حاکمیت کدام طبقه فقط ماهیت آن دولت را معین می سازد که آیا دولت برده دار است یا دولت فئودالی و یا دولت سرمایه داری و یا دولت کارگری یعنی هر طبقه ای که در رأس حاکمیت قرار داشته باشد از ماشین دولتی به نفع تحکیم خودش و علیه سایر طبقات سود می جوید.

۳- با حرکت از همین تعریف، همکاری و کمک با هر دولتی مستقیماً به معنای حمایت از حاکمیت طبقه بر سر اقتدار می باشد. حال این حمایت سیاسی باشد، حقوقی باشد، فرهنگی باشد، نظامی باشد و یا مسالمت آمیز، در ماهیت قضیه که حمایت از طبقه برسر اقتدار در جهت تحکیم همان است، تغییری وارد نمی نماید و در ذات خود، دخالت در امور یک کشور دیگر و دخالت در نبرد طبقاتی جاری در آن کشور می باشد.

یعنی هرگاه كشوری چه چین باشد چه امریکا و یا هم از کدام سیاره ویا حتا کهکشان دیگر، بیاید و در یک کشور طبقه حاکم آن کشور را که در رأس دولت یا به همان گفته معروف "لنین" ابزار سرکوب سایر طبقات قرار دارد حمایت نماید، در عمل در امور داخلی آن کشور به نفع طبقه حاکم دخالت نموده است.

۴- این همان کاریست که قدرت های امپریالیستی در تمام عمر ننگین شان انجام داده اند. حمایت همه جانبه امپریالیسم امریکا و یا انگلیس و یا فرانسه از دولت های دست نشانده شان در اقصاد نقاط جهان از پینوچیت گرفته تا مارکوس و سوهارتو، هم چنین حمایت از زعمای فاسد و ضد مردمی کشورهای افریقا، بزرگترین نمونه های این نوع "عدم دخالت در امور داخلی کشور" ها می باشد.

هیچ کس نمی تواند حتا یک برک کاغذ و یا یک اعلامیه بیاید که در آن امپریالیسم امریکا جنایات نوکرانش را در چیلی، در اندونیزیا، در فلپین و یا هم فرانسه و انگلستان جنایات نوکران شان را در افریقا ویا قاره دیگری نقد نموده باشد.

هرگاه این سیاست یعنی "تقویت حاکمیت" و خود را به کوری زدن در قبال جنایات حاکمیت "عدم مداخله" باشد، می باید از این بابت نه تنها نمره ۱۰۰ به سیستم امپریالیسم در سراسر جهان داد بلکه می باید به حق "تقدم" آنها نیز احترام قابل شد. چه تاریخ روابط بین المللی بار ها و بارها این حقیقت را به اثبات رسانیده که قدرت های امپریالیستی فقط زمانی به انتقاد از یک مزدور و دست نشانده شان آغاز نموده اند و پرچم مندرس حقوق بشر امپریالیستی را افراشته اند که با دست نشانده به هر دلیلی "زاویه" پیدا کرده اند. آن وقت از سیاست های آنها انتقاد نموده اند.

۵- این که امروز چین در مناسبات بین المللی پای جای پای کشور های امپریالیستی گذاشته با تقویت حاکمیت های جنایتکار تا جای پائی در آن کشورها پیدا می نماید به هیچ وجه نمی تواند "عدم مداخله" در امور کشور دیگری باشد. بلکه این چنین روابطی آشکارا مداخله در روابط داخلی آن کشور به نفع طبقات ستمگر و جنایتکار و در تقابل خونین با خلقهای آن کشور ها می باشد.

آنهايي که علی رغم این روابط ضد انقلابی جمهوری خلق چین با سایر کشور ها، هنوز هم آن کشور را "سوسیالیستی" می دانند فکر می کنم بهتر است یک بار دیگر به "پنج اصل همزیستی لنینی" که در پرتو "انترناسیونالیسم پرولتری" می باید عرصه تطبیق بیاید مراجعه نمایند تا دریابند که چین هم، هم اکنون چگونه در امور داخلی سایر کشورها دخالت می نماید منتها این دخالت مطلقاً در خدمت طبقات حاکم غارتگر و جبار آن کشور ها بوده و هیچ ربطی به انترناسیونالیسم پرولتری به مثابه ستراتیژی بین المللی یک قدرت پرولتری حاکم ندارد.

هموطنان گرامی! روابط ضد ملی و ضد انسانی که اکنون کشور چین با طالب برقرار نموده، ادامه همان سیاستی است که در طول سالیان متوالی سوسیال امپریالیسم شوروی با نوکرانش و امپریالیسم امریکا و شرکاء با نوکران شان در افغانستان قایم نموده بودند و هیچ ربطی به انترناسیونالیسم پرولتری به مثابه ستراتیژی بین المللی پرولتاریای بین المللی من جمله پرولتاریای بر سر قدرت ندارد. بناء نیروهای انقلابی افغانستان وظیفه دارند تا عمق این مناسبات ضد انقلابی، غارتگرانه و امپریالیستی را هرچه بیشتر آشکار ساخته نگذارند سیاست های ضد انقلابی کشور چین، به دنبال لکه های ننگین و خونین برجای مانده از شوروی سوسیال امپریالیستی، لکه ننگ دیگری بر دامن پاک کمونیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بیفزاید.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!  
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل  
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد  
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!